



Identify the effective factors in the love Trauma of female students: A qualitative research

Yasaman Jamshidian Naeini ¹ | Ali Sheykhholeslami ² | Hossein Ghamari ³ | Ali Rezaei sharif ⁴

Vol. 19
Summer 2024

DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.67.9.0

Research Paper

Received:
10 October 2023

Revised:
01 January 2024

Accepted:
04 February 2024

Published:
11 June 2024
P.P: 189-210

ISSN: 2645-4955
E-ISSN: 2645-5269



Abstract

Love Trauma is a common phenomenon in students that causes academic and psychological problems. The aim of the current research was to identify the effective factors in the love Trauma of female students. research method was qualitative through semi-structured interview. The statistical population of this research was all the students of Mohaghegh Ardabili University in 1402 who were involved in the experience of love failure. Among them, 10 people were selected as a sample through purposeful sampling. Thematic analysis was used to analyze the data. According to the findings, five main themes of the love Trauma were identified, which included the following: Causes related to the family of origin and childhood, psychological causes, relational causes, causes related to the boyfriend, and concurrent causes with the relationship. Each of these overarching themes included many organized and basic themes. Based on these findings, it can be concluded that first of all, the past and the individual's developmental context in the family are very important in the love trauma, and the causes related to the present are of secondary importance. Therefore, it is suggested to prevent love trauma first of all to identify the person's primary relationships and their impact on the current life and the type of choices of the person and to inform the person in this field so that he can make a more correct choice.

Keywords: Girls, love blow, theme analysis, student.

1. Corresponding Author: PhD Student in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran. Yas.jamshidian@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.
3. Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.
4. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

Cite this Paper: Jamshidian Naeini'Y & Sheykhholeslami'A, Ghamari'H, Rezaei sharif'A. Identify the effective factors in the love Trauma of female students: A qualitative research. The Women and Families Cultural-Educational, 67(2), 189–210.

Publisher: Imam Hussein University

© **Authors**





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳
صص: ۲۱۰-۱۸۹

شابا چاپی: ۴۶۴۵- ۴۹۵۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹- ۲۶۴۵



شناسایی عوامل موثر در ضربه عشقی دانشجویان دختر: یک مطالعه کیفی

یاسمن جمشیدیان نائینی^۱ | علی شیخ‌الاسلامی^۲ | حسین قمری‌گیوی^۳ | علی رضایی شریف^۴

چکیده

ضربه عشقی پدیده‌های رایج در دانشجویان است که باعث مسائل تحصیلی و روان‌شناختی می‌شود. هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر در ضربه عشقی دانشجویان دختر بود. روش پژوهش کیفی از طریق مضامین نیمه ساختار یافته بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی در سال ۱۴۰۲ بودند که درگیر تجربه شکست عشقی شده بودند. از بین آنها تعداد ۱۰ نفر به صورت نمونه‌گیری هدف‌مند به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل مضمون استفاده شد. بر اساس یافته‌ها پنج مضمون اصلی ضربه عشقی شناسایی شد که شامل موارد زیر می‌شد: علل مربوط به خانواده مبداء و کودکی، علل درون‌روانی، علل رابطه‌ای، علل مربوط به پسر، و علل همزمان با رابطه. هر کدام از این مضامین فراگیر شامل مضامین سازمان‌یافته و پایه‌زادی می‌شدند. بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که قبل از هر چیز گذشته و بافت رشدی فرد در خانواده اهمیت بسیاری در ضربه عشق دارد و علل مربوط به زمان حال در درجه دوم اهمیت هستند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود برای پیشگیری از ضربه عشق قبل از هر چیز به شناسایی روابط اولیه فرد و تاثیر آنها در زندگی جاری و نوع انتخاب‌های فرد پرداخت و فرد را در این زمینه آگاه کرد تا انتخاب درست‌تری انجام دهد.

کلیدواژه‌ها: دختران، ضربه عشق، تحلیل مضمون، دانشجویان.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. Yas.jamshidian@gmail.com

۲. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۳. استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۴. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

استناد: جمشیدیان نائینی، یاسمن؛ شیخ‌الاسلامی، علی؛ قمری، حسین. شناسایی عوامل موثر در ضربه عشقی دانشجویان دختر: یک مطالعه کیفی؛ فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۶۷(۲)، ۱۸۹-۲۱۰. DOR: 20.1001.1.26454955.1403.19.67.9.0

نویسندگان ©

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

کارل یونگ^۱ زمانی گفته بود که «ملاقات دو شخصیت، شیه تماس دو ماده شیمیایی است؛ اگر واکنشی رخ دهد، هر دو تغییر شکل می دهند». روابط با دیگران به وضوح بر سلامت روان انسان‌ها تاثیر می گذارد. روابط صمیمانه منبعی بسیار بنیادینی برای ایجاد شادی و رضایت فردی است (برشیلد و ریس^۲، ۱۹۹۸).

سلامت روان دانشجویان شامل خلق باثبات، روابط بین فردی مشارکتی، خودقضاوتی درست و انطباق روان‌شناختی می شود (سازمان بهداشت جهانی^۳ ۲۰۱۶؛ به نقل از لی، لیو و جیانگ^۴، ۲۰۲۱).

دانشجویان دانشگاه به اجبار با چالش‌های زیادی در حین گذار از نوجوانی به بزرگسالی و حین ترک خانه و ورود به دانشگاه روبرو می شوند. این گذار اغلب با افزایش افسردگی، اضطراب و استرس همراه می شود (وانگ، ژو، لو، لیو، یانگ، اویانگ و همکاران^۵، ۲۰۱۹). تحقیقات نشان داده که دختران دانشجو در مقایسه با پسران گرایش بیشتری برای رشد اختلالاتی همچون اضطراب و افسردگی دارند (کریستینسن، ۲۰۱۵) و همچنین این دختران با مسایل سلامت روان جدی‌تر روبرو هستند که آنها را در معرض خطر فزاینده تنهایی، افسردگی، اضطراب و خودجرحی قرار می دهد (پروس، شرآت، ابیزید، گابریس، هلمنز و همکاران، ۲۰۲۱).

ضربه عشقی پدیده‌های رایج در دانشجویان است که باعث مسائل تحصیلی و روان‌شناختی می شود (اعتمادنیا، شیروودی، خلعتبری و ابوالقاسمی، ۲۰۲۱). آمار شکست دانشجویان در حین سال‌های حضور در دانشگاه بیشتر از آماری بوده که در ابتدای ورود به دانشگاه به دست آمده است (اکبری، ۱۳۹۰). تجربه زوال رابطه عاشقانه با نشانگانی همراه است که شامل افسردگی، عصبانیت، احساس ناامنی، درماندگی، گناه، ناامیدی، بدبینی، بی‌قراری، آسیب‌پذیری، فقدان تمرکز، نشانگان جسمانی (مثل سردرد و اختلال خواب، بی‌اشتهایی عصبی، چاقی، کاهش تمایل جنسی) می شود (کوئن و لی، ۲۰۱۳). شکست رابطه یکی از معمول‌ترین منابع استرس‌زا برای دانشجویان معرفی شده است. با ورود به دانشگاه، روابط عاطفی ابعاد جدیدی می‌یابد، زیرا با تغییر موقعیت و دوری از خانواده، نیازمندی‌های عاطفی خاص‌تر شده و از طرفی امکان ارتباط با جنس دیگر فراهم می‌شود.

1. Carl Jung
2. Berscheid & Reis
3. World Health Organization
4. Lei, Liu & Jiang
5. Wang, Zou, Luo, Liu, Yang, Ouyang, et al

یکی از آسیب‌های متوجه دختران در دوران دانشجویی، شکست ارتباطی است (لی، سو، کیانو، لیو، چن و همکاران، ۲۰۲۱). در روابط عاشقانه، دختران بسیار بیشتر از پسران در معرض آسیب‌های روانی و اجتماعی، و گاه جسمی و بهداشتی هستند، و این بر زندگی شخصی، خانوادگی و سلامت جسمی آنان اثرات منفی بر جای می‌گذارد (موسوی، ۱۳۸۶، به نقل از قاضی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۹). راس (۱۹۹۹) برای اولین بار نشانگان شکست عشقی^۱ را معرفی کرد که شامل مجموعه‌ای از علائمی است که پس از اختتام یک ارتباط عاطفی در فرد به وجود می‌آید و بر عملکرد فرد در حوزه‌های مختلفی مثل، اجتماعی، تحصیلی، شغلی و ... تاثیر می‌گذارد. این شکست باعث واکنش‌های غیرمنطقی شده و نشانگان آن برای مدتی طولانی باقی می‌ماند (راس، ۲۰۰۷). نشانگان شکست عشقی به عنوان رخدادی همراه با استرس شدید و تا حدودی آسیب‌زا تجربه می‌شود (فیلد، ۲۰۱۱). نشانگان شکست عشقی شامل چهار ویژگی اساسی می‌شود: برانگیختگی^۲، اجتناب^۳، یادآوری خودکار^۴ و کرختی هیجانی^۵ (گیلبرت و سیفرز^۶ ۲۰۱۱). برانگیختگی با علائم اضطراب مانند احساس نگرانی، بی‌قراری و انتظار بدترین رویداد و حتی در موارد بیش برانگیختگی، مشکل در خواب و بیداری همراه است. اجتناب به معنای کوششی در جهت فرار از رویارویی با هر نشانه‌ای است که ضربه عشقی را تداعی می‌کند. همچنین افراد ممکن است به طور کلی از موقعیت‌های اجتماعی اجتناب کنند. یادآوری خودآیند، در برگیرنده افکار و خاطراتی است که می‌تواند به احساس‌ها و آشفته‌گی‌های ناخوشایندی منتهی گردد. کرختی هیجانی، به کاهش توانایی بعضی افراد در تجربه آتی احساس عشق پس از رخداد نشانگان ضربه عشق اطلاق می‌گردد (گیلبرت و سیفرز^۷ ۲۰۱۱).

از ویژگی‌های اساسی نشانگان ضربه عشق توسعه نشانه‌ها پس از تجربه ضربه عشق است. افراد ابتدا ضربه عشق را به عنوان «شوک» می‌کنند. آنچه که منجر به احساس شوک می‌شود این است که ضربه عشق، انتظارات فرد مورد نظر را از رابطه و پیش‌فرض‌های امنیت در ارتباط، نقض می‌کند. در نتیجه ضربه عشق به عنوان استرسی شدید و آسیب‌زا تجربه می‌شود. احساس شوک شدن اغلب با

1. The love trauma syndrome
2. Arousal
3. Avoidance
4. Automatic membering
5. Emotional anaesthesia
6. Gilbert & Sifers
7. Gilbert & Sifers

احساس وحشت، ترس و درماندگی همراه است و مشابه با صدماتی است که افراد در رابطه با مرگ و یا تهدید به مرگ تجربه می کنند. به این معنا که فرد پریشانی قابل توجه عاطفی، روانی و یا جسمانی را پس از ضربه تجربه می کند (راس، ۱۹۹۹).

تحقیقات نشان داده که عوامل مختلفی در شکست ارتباطی و نحوه برخورد با آن نقش دارند. تحقیق اعتمادی‌نیا و همکاران (۱۴۰۰) که بر روی دانشجویان انجام شده، نشان داده که ویژگی‌های شخصیتی، طرح‌واره‌ها و بهزیستی روان‌شناختی با نشانگان شکست عشقی رابطه دارند. نتیجه پژوهش آنها نشان داد که از بین ویژگی‌های شخصیتی، برون‌گرایی، هیجان‌پذیری و تواضع/صداقت شدت نشانگان ضربه عشقی را پیش‌بینی می کنند. همچنین، از بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، طرح‌واره‌های ایثار و رهاشدگی/بی‌ثباتی شدت نشانگان ضربه عشقی را پیش‌بینی می کنند.

تحقیق مصباحی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و کیفیت روابط دلبستگی، می توانند نشانگان ضربه عشقی را پیش‌بینی کنند. سیویلوئی، دنیس، ماران و مارگولا^۱ (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که سبک دلبستگی ایمن یا بی‌تفاوت جزو عوامل محافظتی برای انطباق با شکست ارتباطی است.

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه یکی دیگر از عواملی است که می توانند شکست ارتباطی را پیش‌بینی کند (اعتمادنیا و همکاران، ۲۰۲۱؛ عراقی، شفیع‌آبادی، دلاور و مردانی راد، ۲۰۲۱). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به عنوان باورهای اساسی و زیربنایی نقش مهمی در تفسیر و تبیین رخدادهای زندگی هر فرد بازی می کنند. به عبارتی دیگر، افراد جهان و تجارب خودشان در جهان را از لنز طرح‌واره‌هایشان می بینند (عراقی و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات به بررسی علل خانوادگی اثرگذار بر روابط فرد نیز پرداخته‌اند. برای مثال سیمپسون و همکاران^۲ (۲۰۰۷) دریافتند که جهتگیری دلبستگی فرد در دوران طفولیت، کیفیت هیجانی روابط رماتیک وی در بزرگسالی را پیش‌بینی می کند. دینرو و همکاران^۳ (۲۰۰۸) دریافتند که میزان گرما و حساسیت در تعاملات خانواده به صورت مثبتی با میزان همین رفتارها در رابطه با شریک رماتیک همبستگی دارد. ریور و همکاران^۴ (۲۰۲۱) در یک مرور سیستماتیک بدین نتیجه رسیدند که کیفیت رابطه والد-فرزندی در خانواده

1. Civilotti, C., Dennis, J. L., Acquadro Maran, D., & Margola

2. Simpson JA. Et al.

3. Dinero, R. E.

4. River, L. M et al.

مبدا تاثیر معناداری بر عملکرد رابطه رمانتیک در بزرگسالی افراد دارد و روابطی که در خانواده مبتنی بر خصومت باشد، در بزرگسالی این خصومت در تعامل با شریک رابطه نیز بازنمایی می‌شود. بررسی‌های انجام شده (پارکز، ۲۰۱۳) نشان می‌دهد در موارد زیادی فروپاشی رابطه رمانتیک می‌تواند کانون توجه بالینی باشد. با توجه به اینکه همراه با شکست عشقی، اندوه، افسردگی، خشم و اضطراب در فرد ظاهر می‌شود و سلامت روان و روابط بین فردی او را با خطر مواجه می‌کند، باید به دنبال رویکرد درمانی باشیم که نشانه‌های بالینی ذکر شده را کاهش دهد (اکبری و همکاران، ۲۰۱۲). تحقیقات نشان داده که انحلال یک رابطه رمانتیک رخدادی است که از نظر هیجانی فرد را آشفته می‌کند و منجر به علائم چندگانه‌ای همچون غمگینی، سوگ و افسردگی می‌شود و حتی می‌تواند منجر به خطر فزاینده‌ی رشد دوره‌های افسردگی در فرد شود (فیلد و همکاران، ۲۰۰۹). در یک نمونه از دانشجویان دانشگاه، انحلال شدید رابطه، با احساساتی همچون خیانت و طرد^۱، نشانگان افسردگی و اضطراب، افکار مزاحم درباره‌ی شریک سابق و اختلال خواب همراه بوده است. زنان نمرات آشفته‌تری را در مقایسه با مردان بعد از انحلال رابطه گزارش می‌کردند (فیلد و همکاران، ۲۰۰۹). در مطالعه‌ی استوسل^۲ و همکاران (۲۰۱۱) تمام آزمودنی‌ها در شش ماه بعد از انحلال رابطه، نشانگان مربوط به افسردگی بالینی را گزارش کردند. در زنان در چهار ماه بعد از انحلال رابطه سطح بالاتری از سوگ پیچیده مشاهده شده بود (نقل از ورهالن و همکاران، ۲۰۱۹).

بنابراین، با توجه به موارد گفته شده در بالا، شناسایی علل موثر در ضربه عشقی، می‌تواند گامی مهم در پیشگیری از شکل‌گیری و تداوم روابط آسیب‌زا و همچنین کمک به دانشجویان برای برقراری و ایجاد ارتباط سالم‌تر باشد و در نهایت شکل‌گیری روابط سالم می‌تواند مانع از ایجاد آسیب‌های روانی ناشی از ضربه شود.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در پارادایم تفسیرگرایی و به شیوه‌ی کیفی انجام شده است. در پژوهش کیفی محقق به دنبال کشف لایه‌های عمیقی از معناست. شیوه‌های جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش از نوع

1. Betray and rejection
2. Stoessel

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. یعنی محقق در ابتدا یک سری سوالات را از پیش فهرست کرده بود اما در صورت طرح مضامین جالب و جدید محقق دست به سوالات پیش‌بینی نشده نیز می‌زد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی در سال ۱۴۰۲ بود که درگیر تجربه شکست عشقی شده بودند. از بین آنها تعداد ۱۰ نفر به صورت نمونه‌گیری هدف‌مند به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

مصاحبه نیمه‌ساختاریافته

مصاحبه بر اساس مطالعه تحقیقات و پیشینه پژوهشی در مورد علل ضربه عشقی صورت گرفت. بعد از شروع مصاحبه نیز محقق سوالات را بسته به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان بسط می‌داد. متن سوالات طراحی شده اولیه نیز توسط اساتید متخصص مشاوره و روان‌شناسی مورد بازبینی قرار گرفت و نظرات آنها نیز در مورد سوال‌های مناسب اعمال شد. فرایند مصاحبه با سوالات کلی در مورد اینکه رابطه شما از چه زمانی شروع شد و اینکه در مورد رابطه خود توضیح دهید، آغاز شد. سپس سوالاتی نظیر اینکه عامل جدایی شما چه بود، یا چه چیزهایی در این رابطه رخ داد که باعث شد رابطه با شکست روبرو شود، پرسیده شد. مدت هر مصاحبه بین ۹۰ تا ۱۲۰ دقیقه بود. مصاحبه‌ها با کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان ضبط می‌شد و همزمان مصاحبه‌گر در جلسه موارد را یادداشت می‌کرد. پس از یادداشت‌برداری، مصاحبه‌ها مورد تحلیل دقیق قرار گرفت.

پرسشنامه ضربه عشق

پرسشنامه ضربه عشق: این مقیاس توسط راس (۱۹۹۹) تهیه و از ۱۰ ماده ۴ گزینه‌ای تشکیل شده و نقطه برش آن ۲۰ است و میزان آشفتگی جسمی، هیجانی، شناختی و رفتاری را ارزیابی می‌کند. در نمره‌گذاری، هر سؤال، به ترتیب نمره ۳ تا ۰ می‌گیرند، فقط سؤال‌های ۱ و ۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. بعد از امتیازدهی، جمع نمره‌ها به عنوان وضعیت از نشانگان ضربه در نظر گرفته

می‌شود. در پژوهش دهقانی، عاطف وحیدی و قرایی (۲۰۱۱) ضریب آلفای پرسشنامه در مورد دانشجویان ۰/۸۱ و ضریب اعتبار آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۸۳ و در پژوهش اکبری، خانجانی، پورشریفی، محمودعلیلو و عظیمی (۱۳۹۱)، ۰/۸۱ و ضریب اعتبار آن با روش بازآزمایی به فاصله یک هفته ۰/۸۳ به دست آمد. در پژوهش امان‌اللهی و همکاران (۱۳۹۳) برای بررسی روایی، همبستگی نشانگان ضربه عشق با پرسشنامه افسردگی بک برابر با ۰/۶۴ و با بخش صفت پرسشنامه اضطراب حالت-صفت اسپیلبرگر ۱۹۷۰ برابر با ۰/۶۱ همچنین آلفای کرونباخ آن برابر با ۰/۷۸ به دست آمد.

روش اجرا

از آنجا که محقق این پژوهش خود در مرکز سلامت و مشاوره دانشگاه در حیطه مشاوره دانشجویی فعالیت داشتند، ابتدا دانشجویانی که درگیر شکست عشقی بودند را شناسایی کرده، سپس پرسشنامه ۱۰ سوالی نشانگان ضربه عشقی راس را اجرا کرده و دانشجویانی که نمره آنها بالاتر از نمره برش یعنی نمره ۲۰ بوده را انتخاب کرده و بعد از توضیح در مورد هدف از این پژوهش و محرمانه بودن و رضایت آگاهانه، در صورت تمایل آنها شروع به فرایند مصاحبه با آنها کردند. ملاک‌های ورود شامل این بود که فرد می‌بایست دانشجو باشد، نمره نشانگان ضربه عشق بالای ۲۰ باشد، تمایل به همکاری و مصاحبه داشته باشد.

روش تجزیه و تحلیل

روش تحقیق این پژوهش پدیدارشناسی بود و داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته حاصل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شد. اجرای مصاحبه تا اشباع نظری داده‌ها ادامه یافت.

یافته‌ها

سوال پژوهش این بود که عوامل موثر در ضربه عشقی دانشجویان دختر کدام‌اند. یافته‌های مربوط به این سوال در جدول یک آورده شده است.

جدول ۱. استخراج عوامل ضربه عشقی در دختران دانشجو

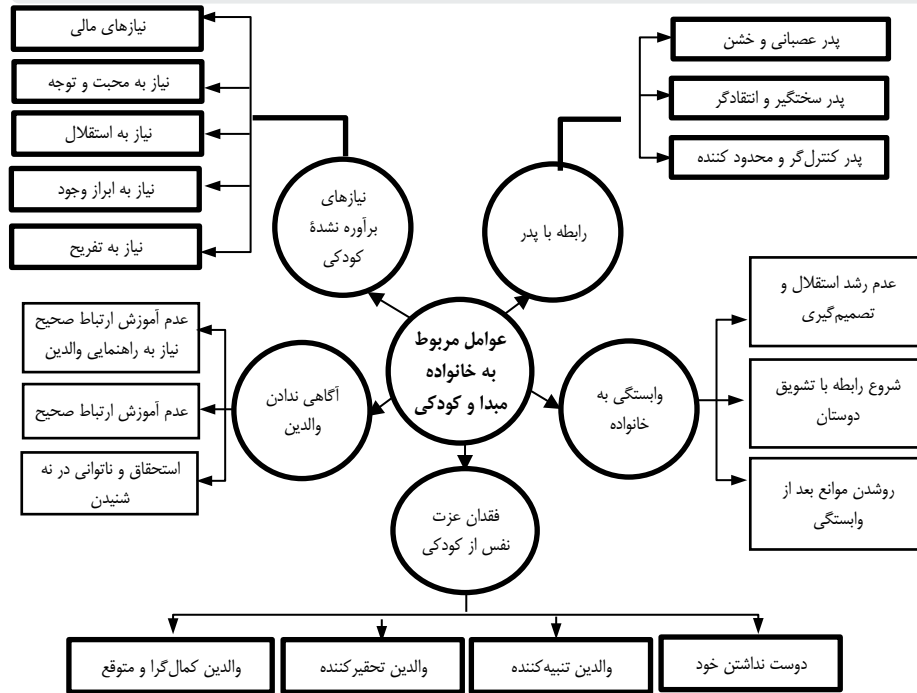
تم اصلی	زیر تم	مضامین پایه	
علل مربوط به خانواده مبدا و کودکی	رابطه با پدر	- پدر عصبانی و خشن - پدر کنترل‌گر و محدودکننده	
	نیازهای برآورده نشده کودکی	- نیازهای مالی - نیاز به محبت و توجه - نیاز به استقلال	
	وابستگی به خانواده	- عدم رشد استقلال و تصمیم‌گیری - روشن شدن موانع بعد از ایجاد وابستگی	
	آگاهی ندادن والدین	- نیاز به راهنمایی والدین - استحقاق و ناتوانی در نه شنیدن	
	فقدان عزت نفس از کودکی	- دوست نداشتن خود - والدین تنبیه کننده	
علل درون‌روانی	عقیده نادرست در مورد رابطه	- فکر میکردم رابطه عاشقانه همیشه مبتنی بر عشق و محبت است. - در رابطه باید صد درصد ظرفیت خود را گذاشت - جایگزینی سریع برای فقدان های قبلی - جایگاه بالا و خداگونه دادن به معشوق - داشتن تفکر نادرست همه یا هیچ از قبل، حین و بعد از رابطه - نگرش قبل از ازدواج که اصلاً ازدواج نمی‌کنم و سپس تمایل شدید به ازدواج - تضاد بین تصویر ایده‌آل اولیه از پسر و روبرو شدن با واقعیت فعلی - چسبیدن به تصویر ایده‌آل	
	اعتماد نادرست	- اعتماد بیش از حد در رابطه و خود را کاملاً فدای رابطه کردن - عدم توجه به شواهد خطرناک در رابطه	
	عدم عزت نفس	- هیچ کس مرا دوست نخواهد داشت - من ارزشمند نیستم	
	انتخاب نادرست	- نحوه آشنایی مجازی - گفتگوی تلفنی بدون آشنایی حضوری	
	حس تنهایی و رهاشدگی	- رها شدن - رابطه ناامن داشتن - چسبندگی به معشوق - دیگر نمی‌خواهم وارد رابطه با کسی شوم	
	جذابیتهای طرحواره‌ای	- ایثارگر در مقابل استحقاق یا خودشیفته - عدم واقع بینی و احساسات شدید - رهاشدگی در مقابل انتخاب فرد بی تفاوت - بازداری هیجانی	

تم اصلی	زیرتم	مضامین پایه
علل رابطه‌ای	نوسان در رابطه	- فصل و وصل شدن دائم رابطه - قهر و آشتی زیاد
	بی‌هدفی	- نبود هدف در رابطه - رابطه بدون زمان
علل مربوط به پسر	وعده واهی	- شروع رابطه با وعده ازدواج توسط پسر - وعده بهبود شرایط
	بی‌ثباتی در رابطه	- مسایل حس نشده در قبل از شروع آشنایی (سربازی، بیکاری، بلاتکلیفی پسر و محل زندگی)
	ارائه تصویر نادرست در ابتدا	- پنهان کردن ویژگی‌های منفی - عدم صداقت - مطلوب‌نمایی
علل همزمان با رابطه	اتفاقات همزمان	خیانت دیدن
	مشکلات چندگانه	- فوت عزیزان - از دست دادن دوستان
	علل عاطفی فعلی اثرگذار بر ضربه	- رابطه حل نشده با والدین (خشم به والدین) - بی‌معنایی در زندگی - خشم - غم

اولین مضمون فراگیر علت ضربه عشقی در دختران، علل مربوط به خانواده مبداء و کودکی بود که خود شامل پنج مضمون سازمان‌دهنده رابطه با پدر، نیازهای برآورده نشده کودکی، وابستگی به خانواده، آگاهی ندادن والدین، و فقدان عزت نفس از کودکی می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده رابطه با پدر شامل مضامین پایه پدر عصبانی و خشن، پدر سختگیر و انتقادگر، و پدر کنترل‌گر و محدودکننده می‌شد.

مضمون سازمان‌دهنده نیازهای برآورده نشده کودکی شامل مضامین پایه نیازهای مالی، نیاز به محبت و توجه، نیاز به استقلال، نیاز به ابراز وجود و نیاز به تفریح می‌شد.

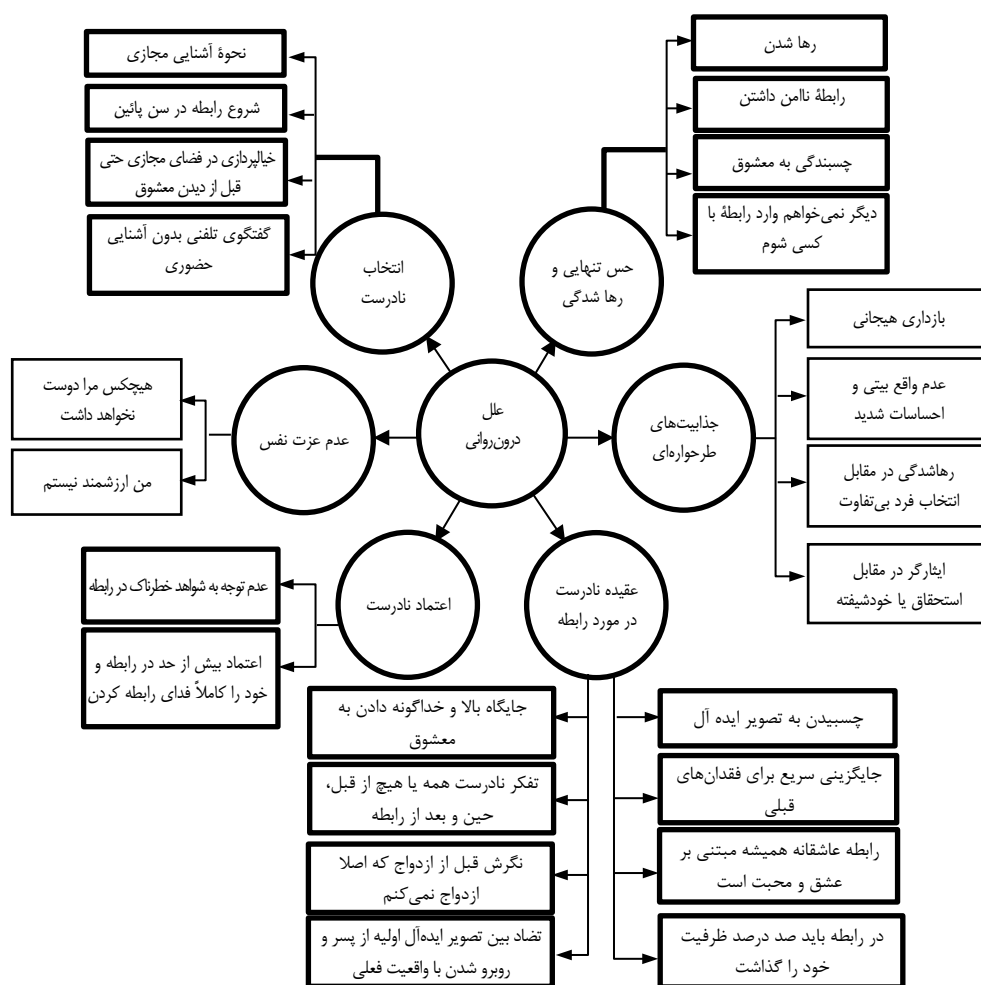
مضمون سازمان‌دهنده وابستگی به خانواده شامل مضامین پایه عدم رشد استقلال و تصمیم‌گیری، رو شدن موانع بعد از ایجاد حس وابستگی و شروع رابطه به دلیل تشویق دوستان (وابستگی) می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده آگاهی ندادن والدین شامل نیاز به راهنمایی والدین، عدم آموزش در مورد ارتباط صحیح، و استحقاق و ناتوانی در نه شنیدن می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده فقدان عزت نفس از کودکی شامل مضامین پایه دوست نداشتن خود، والدین تنبیه‌کننده، والدین تحقیرکننده و والدین کمال‌گرا و متوقع می‌شد. دیاگرام شبکه این مضمون در شکل (۱) آورده شده است.



شکل ۱. عوامل مربوط به خانواده مبدا و کودکی در ضربه عشقی دختران

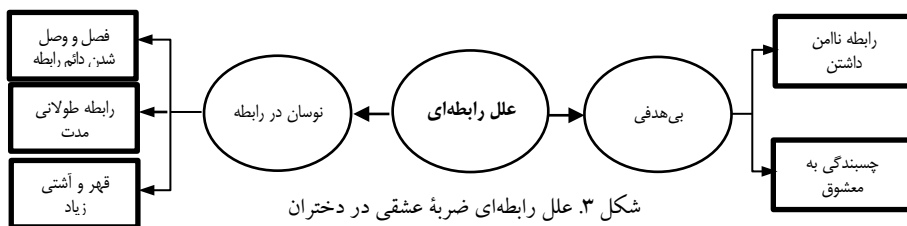
دومین مضمون فراگیر شامل علل درون روانی می‌شد که خود شامل شش مضمون سازمان‌دهنده عقیده نادرست در مورد رابطه، اعتماد نادرست، عدم عزت نفس، انتخاب نادرست، حس تنهایی و رها شدگی، و جذابیت طرح‌واره‌ای می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده عقیده نادرست در مورد رابطه شامل مضامین پایه زیر می‌شد: فکر می‌کردم رابطه عاشقانه همیشه مبتنی بر عشق و محبت است، در رابطه باید صد درصد ظرفیت خود را گذاشت، جایگزینی سریع برای فقدان‌های قبلی، جایگاه بالا و خداگونه دادن به معشوق، داشتن تفکر نادرست همه یا هیچ از قبل از رابطه و در طول رابطه و بعد از رابطه، نگرش قبل از ازدواج این بود که اصلاً ازدواج نمی‌کنم و بعد از رابطه تمایل شدید به ازدواج، تضاد بین تصویر ایده آل اولیه از پسر و روبرو شدن با واقعیت فعلی و چسبیدن به تصویر. مضمون سازمان‌دهنده اعتماد نادرست شامل مضامین پایه اعتماد بیش از حد در رابطه و خود را کاملاً فدای رابطه کردن، و عدم توجه به شواهد خطرناک در رابطه می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده عدم عزت نفس شامل مضامین پایه هیچ کس مرا دوست نخواهد داشت، و من ارزشمند نیستم می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده انتخاب نادرست شامل مضامین پایه نحوه آشنایی مجازی، گفتگوی تلفنی

بدون آشنایی حضوری، خیالپردازی در فضای مجازی حتی قبل از دیدن معشوق، و شروع رابطه در سن پائین می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده حس تنهایی و رها شدگی شامل مضامین پایه رها شدن، رابطه ناامن داشتن، چسبندگی به معشوق، و دیگر نمی‌خواهم وارد رابطه با کسی شوم، می‌شد. آخرین مضمون سازمان‌دهنده در این بخش شامل جذابیت طرحواره‌ای می‌شود که مضامین پایه ایثارگر در مقابل استحقاق یا خودشیفته، رهاشدگی در مقابل انتخاب فرد بی تفاوت، عدم واقع بینی و احساسات شدید، و بازداری هیجانی می‌شد. شبکه مضامین مربوطه در شکل (۲) آورده شده است.

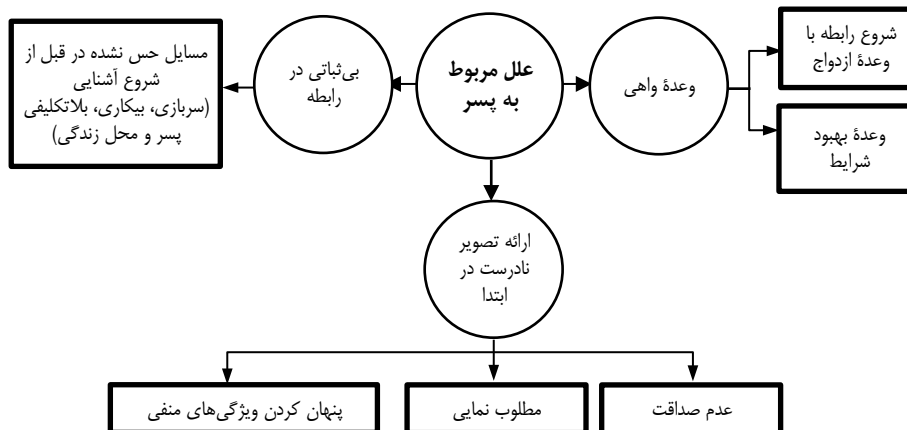


شکل ۲. عقل درون‌روایی ضربه عشقی در دختران

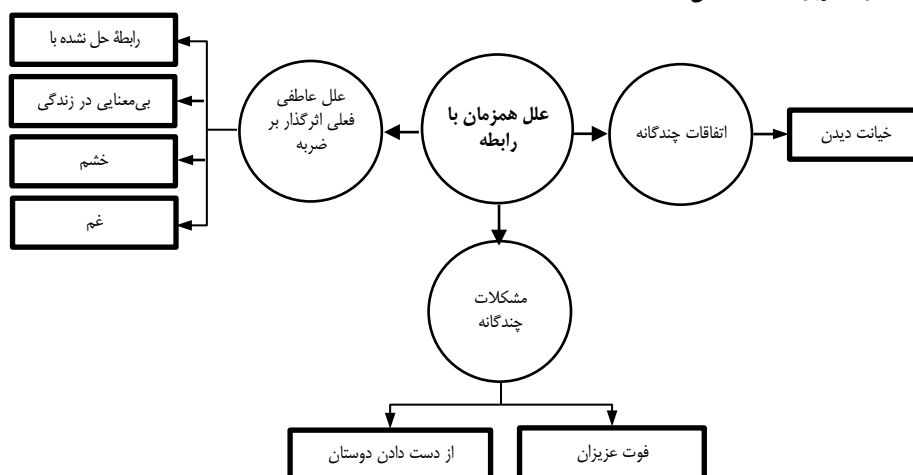
سومین مضمون فراگیر، شامل علل رابطه‌ای می‌شد که دو مضمون سازمان‌دهنده نوسان در رابطه و بی‌هدفی را در بر داشت. مضمون سازمان‌دهنده نوسان در رابطه شامل مضامین پایه فصل و وصل شدن دائم، فصل و وصل شدن دائم، رابطه طولانی مدت، قهر و آشتی زیاد و رابطه طولانی مدت می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده بی‌هدفی شامل مضامین پایه نبود هدف در رابطه، و رابطه بدون زمان می‌شد. دیاگرام شبکه مضمون مربوطه در شکل (۳) آورده شده است.



چهارمین مضمون فراگیر علل مربوط به پسر بود که شامل مضامین سازمان‌دهنده وعده واهی، بی‌ثباتی در رابطه و ارائه تصویر نادرست در ابتدای رابطه می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده وعده واهی شامل مضامین پایه شروع رابطه با وعده ازدواج توسط پسر، و وعده بهبود شرایط می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده بی‌ثباتی در رابطه شامل مضامین پایه مسایل حس نشده در قبل از شروع آشنایی (سربازی، بیکاری، بلاتکلیفی پسر و محل زندگی) می‌شد. مضمون سازمان‌دهنده ارائه تصویر نادرست در ابتدای رابطه شامل مضامین پایه عدم صداقت، مطلوب‌نمایی، پنهان کردن ویژگی‌های منفی می‌شد. دیاگرام شبکه مضمون مربوطه در شکل (۴) آورده شده است.



پنجمین مضمون فراگیر علل همزمان با رابطه بود که شامل مضامین سازماندهنده اتفاقات همزمان، مشکلات چندگانه، و علل عاطفی فعلی اثرگذار بر ضربه می‌شد. مضمون سازماندهنده اتفاقات همزمان شامل مضمون پایه خیانت دیدن، مضمون سازماندهنده مشکلات چندگانه شامل مضامین پایه فوت عزیزان و از دست دادن دوستان می‌شد. مضمون سازماندهنده علل عاطفی فعلی اثرگذار بر ضربه شامل مضامین پایه رابطه حل نشده با والدین (خشم به والدین)، خشم، بی‌معنایی در زندگی و غم می‌شد. کارتر و پورگس^۱ (۲۰۱۳). پس آنجا که این پسخوراند به واسطه عوامل فشارزای بیرونی، منفی باشد، می‌تواند در رابطه تاثیر منفی بگذارد و باعث شکست رابطه شود. دیاگرام شبکه مضمون مربوطه در شکل ۵ آورده شده است.



شکل ۵. علل همزمان با رابطه در ضربه عشقی دختران

افشاگری در تبیین این یافته می‌توان گفت آنجا که رابطه در سکوت و خفا پیش می‌رود، خود این رابطه مخفیانه انرژی زیادی از فرد می‌گیرد و فرصت کافی و فضای کافی برای شناخت طرف مقابل به فرد نمی‌دهد. چون فرد سعی دارد تا جای ممکن این رابطه را به دلایل اینکه از نظر اجتماعی و فرهنگی مشروعیت چندانی ندارد پنهان کند. تحقیق هنرپروان (۱۳۹۵) روابط قبل از ازدواج در جامعه دانشجویان و در سنین بالاتر به دلیل انتخاب مستقیم طرفین (دختر و پسر) می‌تواند منجر به کاهش تعارضات زناشویی و حتی افزایش رضایت زناشویی گردد. پس می‌توان نتیجه گرفت، هرچه

1. Carter, C. S., & Porges, S. W.

رابطه آشکارتر و به دور از پنهان کاری باشد، فضای بیشتری برای شناخت طرفین از همدیگر ایجاد می‌شود. در صورت ناهمخوانی و تفاوت نیز، ترس و شرم و انگ چندانی از اتمام رابطه وجود ندارد. حتی بعد از اتمام رابطه نیز تبدیل به سوگ نامشروع نمی‌شود که درد و ضربه شکست را چندین برابر کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر شناسایی عوامل موثر در ضربه عشقی دانشجویان دختر بود. بر اساس مصاحبه صورت گرفته، پنج مضمون فراگیر شناسایی شد که علل مربوط به خانواده مبدا و کودکی، علل درون‌روانی، علل رابطه‌ای، علل مربوط به پسر، و علل همزمان با رابطه می‌شد. اولین مضمون اثرگذار بر شکست عشقی در دختران، علل مربوط به خانواده مبدا و اتفاقات دوران کودکی بود. روابطی که کودکان و نوجوانان در سال‌های اولیه زندگی دارند، سلامت آنها را در سراسر زندگی تحت تاثیر قرار می‌دهد. به ویژه، اعضای خانواده (خصوصاً پدر و مادر) بنیان‌گذار روابط نزدیک و معنادار در سراسر کودکی و نوجوانی هستند (سمتانا و همکاران، ۲۰۰۶). روابط هیجانی معنی‌دار و راحت در طول کودکی با سلامت بیشتر در کودکی و بزرگسالی در ارتباط هستند و برعکس، روابط متعارض و آزارگرانه در کودکی پیش‌بین پیامدهای منفی سلامتی در سیر زندگی است (چن و همکاران، ۲۰۱۷). تعاملات خانواده مبدا بر تعاملات فرزندان با دیگران در طول کودکی و بلوغ تاثیر می‌گذارد (ویتن و همکاران، ۲۰۰۸). سبک حل تعارض فرزندان (حملة کردن، اجتناب، یا بحث) در تعامل با همسالان و دیگران، ائینه تمام‌نمایی برای سبک تعارض والدینی آنها است (دادز و همکاران، ۱۹۹۹). محیط خانوادگی خصمانه می‌تواند باعث تشدید سبک دل‌بستگی ناایمن شود و این می‌تواند پیش‌بینی‌کننده تعارض‌های ارتباطی در بزرگسالی باشد (کرول و همکاران، ۲۰۰۲). چون مطالعات نشان داده که حساسیت و گرمی در رابطه خانوادگی به صورت مثبت با همین ویژگی‌های رفتاری در روابط عاشقانه رابطه دارد (دینرو و همکاران، ۲۰۰۸). مدل دل‌بستگی بالبی این وعده را می‌دهد که دل‌بستگی پدر در مقایسه با مادر نقش ثانویه ندارد، چون پدر نیز نقش یک والد را بازی می‌کند و رابطه عاطفی مبتنی بر حساسیت و تناسب بین پدر و دختر

می‌تواند به صورت مثبتی با رشد دختر ارتباط داشته باشد و فقدان پدر می‌تواند رشد هیجانی فرزند را در معرض آسیب قرار دهد. ماهیت دلبستگی هر دو والد می‌تواند متفاوت از هم باشد، اما از نظر اهمیت در یک سطح است. دلبستگی با مادر باعث ایجاد یک بنیان امنی^۱ می‌شود که در آن کودک حس اعتماد می‌کند، اما پدر نقش همراه مورد اعتمادی را در برآوردن نیازهای کودک برای کاوش در جهان و خودش ایفا می‌کند (نیولند و کوپل، ۲۰۱۰). در این پویایی، پدر و مادر باهمدیگر بافتی متعادلی را برای کاوش امن کودک فراهم می‌آورند که در آن کودک می‌تواند خودمختاری، مهارت، و دیگر ابعاد بهزیستی را در خود رشد دهد (بالبی، ۱۹۸۲؛ نقل از جیلانی و همکاران، ۲۰۲۲). دختران دارای دلبستگی ایمن که سطح پائینی از اضطراب و اجتناب داشتند، می‌توانند به صورت مهرورزانه‌ای با پدرانشان حرف بزنند و مراقبت و نگرانی را از خود نشان دهند. این می‌تواند متعاقباً به صورت مثبتی بر بهزیستی روانی آنها تاثیر بگذارد (اختر و همکاران، ۲۰۱۹). در این صورت دختر احساس پذیرفته شدن، عزت نفس بالاتر کند و معاشرتی‌تر باشد. از سوی دیگر، دختران دارای دلبستگی ناایمن (دارای اضطراب و اجتناب بالا) ممکن است با پدرانشان صحبت نکنند، و احساسات نگرانی‌های خود را آزادانه با پدر در میان نگذارند. سرانجام، این امر می‌تواند تاثیر منفی بر سلامت روان آنها بگذارد. بنابراین، درگیری عاطفی مثبت پدر به عنوان نماد اولیه دلبستگی، می‌تواند باعث برآورده شدن نیازهای اولیه دخترش شود و الگوهای دلبستگی ثانویه سالم‌تری را رقم بزند (جیلانی و همکاران، ۲۰۲۲). مطالعه ببرد-کراون و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که زنانی که رابطه مثبتی بر گرمی، خودمختاری و حمایت و ساختارمندی را با پدرشان در کودکی گزارش کردند، سطح پائین‌تری از کورتیزول پیش از تکلیف داشتند و پاسخ کورتیزول آنها در هنگام بحث و چالش با دوستان همخوان بود. در مقابل، آنهایی که روابط مبتنی بر طرد، آشفتگی و اجبار با پدر داشتن، سطح بالاتری از کورتیزول پیش از تکلیف داشتند^۲. دخترانی که در معرض سوآزارهای کودکی قرار می‌گیرند، به احتمال بیشتری از اختلالات خوردن، افسردگی، اختلال استرس پس از ضربه، وسواس، اضطراب، فوبی‌ها، پارانوئا، سایکوز، بیماری‌های قلبی، قاعدگی زودهنگام، اختلالات خواب، درد مزمن، و مرگ زودرس رنج می‌برند (لیوری و همکاران، ۲۰۲۳) و قربانی روابط خصمانه

1. secure foundation
2. higher pre-task cortisol levels

و پرخاشگرانه می‌شوند (شیلدز و همکاران، ۲۰۲۰). تاثیرپذیری از دوستان نیز عاملی مهمی در این آسیب بود. هرچه میزان تعارض بین فرد و دوستانش بیشتر باشد، تجربه نشانگان ضربه عشق شدیدتر می‌باشد به طوری که می‌تواند منجر به اختلال در عملکرد و متعاقب آن، فرد نیازمند به مداخله درمانی گردد. عمق روابط بین فردی با دوستان با میزان شدت تجربه نشانگان ضربه عشق در شکست عاطفی رابطه معکوس دارد. بدین صورت که هرچه روابط بین فردی با دوستان از طرف فرد عمیقتر باشد انتظار می‌رود فرد نشانگان ضربه عشق را در شکست عاطفی کمتر تجربه کند یا نشانگان ضربه عشق را تجربه ننماید (مسیبی دورچه و همکاران، ۱۴۰۱).

دومین دسته از علل ضربه عشقی، علل درون‌روانی بود. در اینجا آنچه برجسته می‌نمود باورها و عقیده در مورد رابطه و همچنین جذابیت ناخودآگاه و احساس تنهایی بود. بر طبق دیدگاه شناختی بک (۱۹۶۷) مفاهیم ذهنی همچون پیش‌فرض‌ها، طرح‌واره‌ها، خاطرات، باورها، اهداف، تجربیات، امیدها و سوگیری‌های شناختی فرد نوع رفتار و واکنش‌های هیجانی وی در برابر محیط‌های اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تئوری حساسیت به طرد می‌گوید که تجارب طرد قبلی توسط مراقبان، همسالان یا شریک عشقی منجر به فعال شدن سیستم پردازش شناختی-عاطفی شده که باعث می‌شود فرد بعدها به نشانه‌های طرد نیز حساس شود (دونی و فلدمن، ۱۹۹۶؛ نقل از اسمیت و همکاران، ۲۰۱۰). وقتی فردی در رابطه قبلی شکست می‌خورد، این باعث فعال شدن طرح‌واره رهاشدگی در وی می‌شود و ممکن است برای رابطه بعدی، در فکر جبران باشد و در پی یافتن فردی باشد که هیچ وقت مجدد آن حس تنهایی و رهاشدگی را به وی ندهد و آن فرد هم باید کامل باشد. پس دقیقاً در پی یافتن کسی می‌رود که محبت را در سطح عالی بدهد، حس رها شدگی ندهد، ولی در نهایت کسی را انتخاب کرده که هم وی را رها می‌کند و هم محبت نمی‌کند، چون این دو برای همدیگر جذابیت طرح‌واره‌ای دارند و این جذابیت باعث انتخاب همدیگر شده است. افراد درگیر طرح‌واره رهاشدگی و تنهایی، حس می‌کنند که ناقص، نخواستنی، حقیر، یا بی‌اعتبار هستند. این باعث حسی در فرد می‌شود که وی در نظرگاه دیگران دوست داشتنی نیست. در اینجا، طرد می‌شود نگرانی این فرد و حتی ترس از اینکه آیا دیگران وی را در زمان حال خواهند پذیرفت. چنین افرادی به انتقاد، طرد، و سرزنش بسیار حساس می‌شوند، چون همه اینها حکایت از طرد احتمالی در آینده دارند. چنین فردی حتی در روابط خوب و امن نیز احساس ناامنی می‌کند، چون طرح‌واره می‌گوید که دیر

یا زود معشوق وی از نقص‌های وی آگاهی یافته و وی را ترک خواهد کرد (اندره و بامایستر، ۲۰۲۳). روابط قبلی بر روابط فعلی تاثیر می‌گذارند (برانسون و همکاران، ۲۰۱۹). بنابراین می‌توان گفت راهبردهای تنظیم هیجان هم در کیفیت رابطه و هم در کنار آمدن با جدایی نقش دارند. با در نظر گرفتن این موضوع که طرحواره‌های هیجانی هم با اجتناب تجربه‌ای، نشانگان اضطرابی و افسردگی مرتبط می‌باشد و هم زیربنای تنظیم هیجانی است (لیهی، ۲۰۱۵ ترجمه زیرک و آزادی ۱۳۹۷) و این موارد اغلب در افراد دچار شکست عاطفی وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت که طرحواره‌های هیجانی احتمال در شکست عاطفی تاثیر دارند. افراد با تجربه شکست عاطفی دارای طرحواره‌های هیجانی بیشتری هستند که این خود مانع حل و فصل تجربه شکست عاطفی می‌گردد (مسیبی دورچه و همکاران، ۱۴۰۱).

سومین دسته از علل ضربه عشقی، علل رابطه‌ای بود. تحقیق لانتین و همکاران (۲۰۱۷) نشان داده که طول مدت رابطه با انحلال رابطه ارتباط دارد. وقتی روابط بین طرفین، طولانی مدت می‌شود، ترکیبی از احساسات مختلف در رابطه پدیدار می‌شود: از عشق تعهد گرفته تا خشم و ترس و نفرت و ... در چنین مواردی، آمیزه‌ای از احساسات تصمیم‌گیری را برای طرفین مشکل می‌سازد و فرد نمی‌تواند به راحتی تصمیم به ترک یا ماندن در رابطه بگیرد. مطابق با نظر استرنبرگ (۱۹۸۶) سازه عشق از سه مولفه‌های درهم تنیده تشکیل شده است یعنی صمیمیت، شور جنسی و تعهد. بنابراین، هرچه طول مدت رابطه بیشتر شود، درگیری در این سه مولفه ممکن است شدیدتر شود. یعنی هم صمیمیت در رابطه بیشتر شود، هم اینکه افراد تعهد بیشتری به هم داشته باشند و هم اینکه طول مدت رابطه باعث شکل‌گیری یک درگیر جنسی نیز بین طرفین شود و همه این موارد تصمیم‌گیری را مشکل‌تر می‌سازد. از طرف دیگر، آنچه باعث می‌شود این رابطه کزکار ادامه پیدا کند و قطع آن بیش از پیش دشوارتر شود، سوگ نامشروع است. بدین معنا که بسیاری از این روابط عاطفی و عاشقانه به صورت تقریباً پنهانی هستند و قطع آنها به طرفین و خصوصاً دختران آسیب زیادی وارد می‌کند، خصوصاً زمانی که رابطه عمیق شده باشد و فرد سرمایه‌گذاری چندین ساله برای رابطه کرده باشد. همه این موارد دختر را در یک دوراهی و تنگنا گیر می‌اندازد: اگر بخواهد بماند، باید همچنان نوسانات و بی‌مهری‌ها را تحمل کند و اگر بخواهد برود، باید از سرمایه‌گذاری چندساله برای رابطه چشم‌پوشی کند و زخم‌هایی که در این رابطه خورده، را به تنهایی التیام ببخشد، چون جامعه ممکن

است نگرش چندان پذیرایی به رابطه ناکام و خارج از عرف وی نداشته باشد و اینجا دچار سوگ نامشروع می شود (سزار-سویسال و اری، ۲۰۲۲)

چهارمین دسته از علل ضربه عشقی، علل مربوط به پسر بود. در این مضمون، گرایش به مطلوب‌نمایی در ابتدای رابطه مشهود بود. مطابق با تئوری تکاملی داورین (۱۸۷۱) افراد یک جنس، ویژگی‌های را از خود به نمایش می‌گذارند که باعث جذب شدن جنس مخالف می‌شود. بر همین اساس می‌توان گفت که پسران نیز در ابتدای رابطه گرایش به این دارند که تصویر مطلوبی از خود نشان دهند تا بتوانند طرف مقابل را جذب خود کنند. از آنجا که اولین تصویر همیشه ماندگارتر است و ذهن بر نتیجه‌گیری اولیه خودش می‌چسبد، دختران بعدها با تغییر تصویر پسر و دیدن جلوه‌های واقعی و نقص‌های پسران، همچنان امید به آن تصویر اولیه و محقق شدن آن وعده‌های اولیه دارند که این باعث می‌شود به مرور زمان با یک رابطه تحریف شده سروکار داشته باشند. یکی از ویژگی‌های ذهن و افکار ما، ثبات ۱ آن است (زمانی و همکاران، ۲۰۲۲). خصوصاً این ثبات افکار در افراد دارای اختلال وسواس بیشتر است (هاگستد و همکاران، ۲۰۲۳). این بدان معناست که وقتی ما با فردی روبرو می‌شویم، آن تصویری که در ابتدا بر اساس رابطه و رفتارها و گفته‌ها می‌سازیم، ثابت می‌ماند، هرچند ممکن است آن فرد تغییر کند. در مورد این دختران نیز، آنها همچنان می‌خواستند به همان تصویر خوشبینانه اولیه بچسبند، در حالی که واقعیت رابطه حاکی از وجود مشکلاتی بود.

پنجمین دسته از علل ضربه عشقی، اتفاقات همزمان با رابطه بود که شامل اتفاقات چندگانه، مشکلات چندگانه، فقدان‌های دیگر و ... می‌شد. طبیعتاً وقتی فردی همزمان با وجود یک رابطه اتفاقات و فقدان‌های چندگانه را تجربه می‌کند، تاب‌آوری در چنین موقعیت‌هایی دشوار می‌شود، خصوصاً اگر خیانت در رابطه اتفاق بیافتد. خیانت می‌تواند باعث جدایی طرفین رابطه شود و حتی تاثیر هیجانی منفی بر سلامت روان فرد همچون علائم افسردگی، عزت نفس پائین خیانت دیده داشته

باشد. خیانت باعث بی‌نظمی روان‌شناختی و هیجانی در فرد خیانت دیده می‌شود و افسردگی و اضطراب را با خود به همراه دارد (نقل از روکاچ و همکاران، ۲۰۲۳).

بر اساس یافته‌های این پژوهش، در تحلیل نهایی باید گفت که گذشته و بافت خانواده مبدا و نوع روابط و تعاملاتی که در خانواده برقرار است، خصوصاً نوع تعامل دختران با پدر و مادرشان، نقشی تعیین کننده در نوع انتخاب بعدی فرد برای رابطه دارد. این تعاملات اولیه، باعث شکل‌گیری نوع خاصی از شخصیت و نگرش و باور در فرد می‌شود که فرد در آینده بر اساس همان باورها و نگرش‌ها وارد رابطه با دیگران می‌شود. این انتخاب‌ها در بسیاری از موارد ناخودآگاه هستند و این فرایند جذب شدن به دیگری نیز ناخودآگاه است. انتخاب‌های ناخودآگاه از آنجا که تحت تاثیر هیجان و نگرش‌های کودکانه هستند و نه منطقی و نگرش بالغانه، دیر یا زود اثرات مخرب خود را در رابطه نشان می‌دهند. بنابراین، باید قبل از شکل‌گیری رابطه و در ابتدای شکل‌گیری رابطه به دختران کمک کرد تا با شناخت ویژگی‌های شخصیتی و شناخت ارتباطات اولیه خود، دلیل جذب شدن خود را بفهمند و آنجا که این دلایل منطقی و بالغانه نیست و بر اساس هیجان‌های کودکانه است، در تصمیم خود تجدید نظر کنند. در اینجا می‌توان از دیدگاه‌های گذشته‌نگر و روانکاوانه برای رسیدن به بینش و درک رفتارها استفاده کرد. دیگر اینکه شناخت‌ها و باورها و نگرش‌های غلط نیز در تداوم رابطه کژکار تاثیرگذار است. در اینجا نیز می‌توان بر اساس دیدگاه‌های شناختی - رفتاری روی تحریف‌های شناختی و باورهای کژکار کار کرد و با اصلاح آنها ارتباط سالم‌تری را رقم زد.

در نهایت، این تحقیق با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. از آنجا که شکست عشقی نوعی ننگ اجتماعی خصوصاً برای دختران است، جلب همکاری آنها برای محقق با دشواری روبرو بود. این تحقیق در یک محیط سازمانی آکادمیک یعنی دانشگاه انجام شد و این خود می‌تواند کمی باعث سانسور شود و مشارکت کنندگان اطلاعات را با احتیاط به پژوهشگر ارائه می‌کردند. بر اساس این یافته‌ها پیشنهاد می‌شود، در اولین مرحله انتخاب، افراد به مشاوران پیش از ازدواج مراجعه کرده تا با تحلیل دقیق‌تر خود و شناخت ریشه‌های جذب شدن خود، انتخاب بالغانه و درست‌تری انجام دهند و انتخاب آنها آگاهانه باشد و حتی در طول رابطه به باورهای نادرست خود نچسبند و آنجا که علایم هشدار را در رابطه دیدند، محتاطانه رفتار کنند.

منابع

- اکبری، ابراهیم (۱۳۹۰) مقایسه اثربخشی درمان تحلیل رفتار متقابل با درمان شناختی- رفتاری در بهبود علائم مرضی شکست عاطفی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- اکبری، ابراهیم، خانجانی، زینب، پورشریفی، حمید، محمودعلیلو، مجید، و عظیمی، زینب (۱۳۹۱) مقایسه اثربخشی درمان تحلیل رفتار متقابل با درمان شناختی- رفتاری در بهبود علائم مرضی شکست عاطفی دانشجویان. مجله روانشناسی بالینی، ۴(۳): ۱۰۱-۸۷.
- امان‌الهی، عباس، تردست، کوثر؛ اصلانی، خالد. (۱۳۹۳). پیش‌بینی نشانگان ضربه عشق بر اساس خود شفقتی در دانشجویان دختر دارای تجربه شکست عاطفی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی* ۱ (۸) ۴۳-۶۱
- مسیبی دورچه، عصمت؛ عیسی زادگان، علی؛ سلیمانی، اسماعیل. (۱۴۰۱). نقش طرحواره‌های هیجانی در پیش‌بینی نشانگان ضربه عشق در افراد دارای شکست عاطفی. *مطالعات روان‌شناختی*. ۱۸ (۳) ۲۰-۳
- نیکو قاضی نژاد، محمدحسن آسایش، فهیمه باهنر، (۱۳۹۹) واکنش‌های شناختی دختران با نشانگان شکست عشقی: یک مطالعه ی پدیدارشناسی، نشریه رویش روان شناسی ۱ (۹) ۹۷-۱۰۶
- هنرپروران، نازنین. (۱۳۹۵). مقایسه ثبات ازدواج و مولفه‌های عشق در دانشجویان با ازدواج سنتی و غیر سنتی دانشگاه‌های آزاد اسلامی استان فارس. زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، ۷ (ویژه نامه)، ۱۷-۲۷.
- André, N., & Baumeister, R. F. (2023). Dysfunctional Schemas from Preadolescence as One Major Avenue by Which Meaning Has Impact on Mental Health. *International journal of environmental research and public health*, 20(13), 6225. <https://doi.org/10.3390/ijerph20136225>
- Beck AT. Depression: Causes and treatment. Philadelphia PA: University of Pennsylvania Press; 1967.
- Behere, A. P., Basnet, P., & Campbell, P. (2017). Effects of family structure on mental health of children: A preliminary study. *Indian journal of psychological medicine*, 39(4), 457-463.
- Berscheid, E., & Reis, H. T. (1998). Attraction and close relationships. In D. T. Gilbert, S. T. Fiske, & G. Lindzey (Eds.), *The Handbook of Social Psychology* (4th ed., pp. 193-281). New York, NY: McGraw Hill
- Brunson, J. A., Øverup, C. S., & Acitelli, L. K. (2019). Lover and learner: Exploring relational schema change following relationship dissolution. *The Journal of social psychology*, 159(3), 270-283. <https://doi.org/10.1080/00224545.2018.1458019>
- Byrd-Craven, J., Auer, B. J., Granger, D. A., & Massey, A. R. (2012). The father-daughter dance: The relationship between father-daughter relationship quality and daughters' stress response. *Journal of Family psychology*, 26(1), 87.
- Cesur-Soysal, G., & Ari, E. (2022). How We Disenfranchise Grief for Self and Other: An Empirical Study. *Omega*, 302228221075203. Advance online publication. <https://doi.org/10.1177/00302228221075203>
- Chen, E., Brody, G. H., & Miller, G. E. (2017). Childhood close family relationships and health. *American Psychologist*, 72(6), 555.

- Christiansen, D. M. (2015). *A Fresh Look at Anxiety Disorders*. London, United Kingdom: IntechOpen.
- Civilotti, C., Dennis, J. L., Acquadro Maran, D., & Margola, D. (2021). When Love Just Ends: An Investigation of the Relationship Between Dysfunctional Behaviors, Attachment Styles, Gender, and Education Shortly After a Relationship Dissolution. *Frontiers in psychology*, 12, 662237. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.662237>
- Crowell, J. A., Treboux, D., Gao, Y., Fyffe, C., Pan, H., & Waters, E. (2002). Assessing secure base behavior in adulthood: Development of a measure, links to adult attachment representations and relations to couples' communication and reports of relationships. *Developmental Psychology*, 38(5), 679.
- Dadds, M. R., Atkinson, E., Turner, C., Blums, G. J., & Lendich, B. (1999). Family conflict and child adjustment: Evidence for a cognitive-contextual model of intergenerational transmission. *Journal of Family Psychology*, 13(2), 194.
- Darwin, C. 1871/n.d. *The descent of man and selection in relation to sex* New York, NY: The Modern Library/Random House.
- Dinero, R. E., Conger, R. D., Shaver, P. R., Widaman, K. F., & Larsen-Rife, D. (2008). Influence of family of origin and adult romantic partners on romantic attachment security. *Journal of family Psychology*, 22(4), 622.
- Etemadnia M, Shiroodi S, Khalatbari J, Abolghasemi S. Predicting Love Trauma Syndrome in College Students Based on Personality Traits, Early Maladaptive Schemas, and Spiritual Health. *IJPCP* 2021; 27 (3) :318-335
- Field, T., Diego, M., Pelaez, M., Deeds, O., & Delgado, J. (2009). Breakup distress in university students. *Adolescence*, 44(176).
- Hogstedt, C., Forsell, Y., Hayes, J. F., Torgén, M., Svartengren, M., & Lundin, A. (2023). Long-term stability in obsessive thoughts and compulsive behavior in the general population: a longitudinal study in Sweden. *Nordic journal of psychiatry*, 77(6), 574–580. <https://doi.org/10.1080/08039488.2023.2191991>
- Jilani, S., Akhtar, M., Faize, F. A., & Khan, S. R. (2022). Daughter-to-father attachment style and emerging adult daughter's psychological well-being: mediating role of interpersonal communication motives. *Journal of Adult Development*, 29(2), 136-146.
- Jung, C. G. (1955). *Modern man in search of a soul*. ((W. S. Dell & C. F. Baynes, Trans.)). Orlando, FL: Harcourt.
- Kweon, S. H., & Lee, S. Y. (2013). A study on empathy, credibility, and political attitude in social media: Focused on the relationship between empathetic intention and the motivation of belonging on intended pro-social and political behavior. *Advances in Journalism and Communication*, 1(03), 26.
- Lantagne, A., Furman, W., & Novak, J. (2017). "Stay or Leave": Predictors of Relationship Dissolution in Emerging Adulthood. *Emerging adulthood (Print)*, 5(4), 241–250. <https://doi.org/10.1177/2167696817699750>
- Lei, X., Liu, C., & Jiang, H. (2021). Mental health of college students and associated factors in Hubei of China. *Plos one*, 16(7), e0254183.
- Li, M., Su, H., Liao, Z., Qiu, Y., Chen, Y., Zhu, J., Pei, Y., Jin, P., Xu, J., & Qi, C. (2021). Gender Differences in Mental Health Disorder and Substance Abuse of Chinese International College Students During the COVID-19 Pandemic. *Frontiers in psychiatry*, 12, 710878. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.710878>
- Liu, Y., & Merritt, D. H. (2018). Examining the association between parenting and childhood depression among Chinese children and adolescents: A systematic literature review. *Children and Youth Services Review*, 88, 316-332. Liveri, K.,

- Dagla, M., Sarantaki, A., Orovou, E., Antoniou, E., & OROVOU, E. (2023). Abuse of girls during childhood and its impacts on the health of their adult lives: a systematic review. *Cureus, 15*(2).
- Martin, M. M., & Beatty, M. J. (1998). Communication and personality: Trait perspectives. *Cresskill, NJ: Hampton*.
- Newland, L. A., & Coyl, D. D. (2010). Fathers' role as attachment figures: An interview with Sir Richard Bowlby. *Early Child Development and Care, 180*(1–2), 25–32. <https://doi.org/10.1080/03004430903414679>
- Parkes, C. M. (2013). *Love and loss: The roots of grief and its complications*. Routledge
- Prowse, Rebecca, Frances Sherratt, Alfonso Abizaid, Robert L. Gabrys, Kim GC Hellemans, Zachary R. Patterson, and Robyn J. McQuaid. "Coping with the COVID-19 pandemic: examining gender differences in stress and mental health among university students." *Frontiers in psychiatry* 12 (2021): 650759.
- River, L. M., O'Reilly Treter, M., Rhoades, G. K., & Narayan, A. J. (2022). Parent-child relationship quality in the family of origin and later romantic relationship functioning: A systematic review. *Family process, 61*(1), 259-277.
- Rokach, A., & Chan, S. H. (2023). Love and Infidelity: Causes and Consequences. *International journal of environmental research and public health, 20*(5), 3904. <https://doi.org/10.3390/ijerph20053904>
- Rosse, R. B. (1999). *The love trauma syndrome: Free yourself from the pain of a broken heart*. Cambridge, Massachusetts: Published by Perseus Publishing, a member of the Perseus Books Group
- Shields, M., Tonmyr, L., Hovdestad, W. E., Gonzalez, A., & MacMillan, H. (2020). Exposure to family violence from childhood to adulthood. *BMC public health, 20*, 1-15.
- Simpson, J. A., Collins, W. A., Tran, S., & Haydon, K. C. (2007). Attachment and the experience and expression of emotions in romantic relationships: a developmental perspective. *Journal of personality and social psychology, 92*(2), 355.
- Smetana, J. G., Campione-Barr, N., & Metzger, A. (2006). Adolescent development in interpersonal and societal contexts. *Annu. Rev. Psychol., 57*, 255-284.
- Sternberg, R. J. (1986). A triangular theory of love. *Psychological review, 93*(2), 119.
- Wang J, Zou J, Luo J, Liu H, Yang Q, Ouyang Y, et al. Mental health symptoms among rural adolescents with different parental migration experiences: A cross-sectional study in China. *Psychiatry research. 2019; 279: 222–30*.
- Whitton, S. W., Waldinger, R. J., Schulz, M. S., Allen, J. P., Crowell, J. A., & Hauser, S. T. (2008). Prospective associations from family-of-origin interactions to adult marital interactions and relationship adjustment. *Journal of family Psychology, 22*(2), 274.
- Zamani, A., Carhart-Harris, R., & Christoff, K. (2022). Prefrontal contributions to the stability and variability of thought and conscious experience. *Neuropsychopharmacology : official publication of the American College of Neuropsychopharmacology, 47*(1), 329–348.